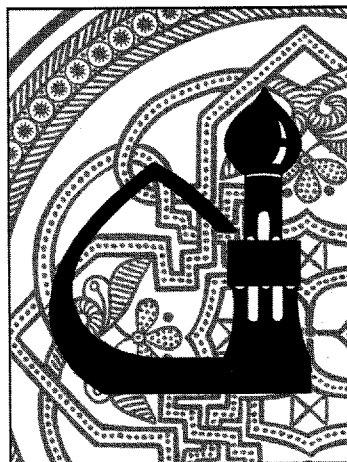


# مسجد بنی قریظه یا مسجد فضیخ



رسول جعفریان

## مقدمه

از اماکن متبرکه شهر مدینه، که در طول تاریخ همواره مورد توجه و اعتنای زائران بوده، مسجد فضیخ است که در مردادماه سال ۱۳۸۰ تخریب شد. (به قصد بازسازی یا... تاکنون روشن نیست). این مسجد در شرق منطقه قبا و در نزدیکی شارع باب العوالی قرار داشته است. زمانی که خیابان باب العوالی یا شارع علی بن ابی طالب از حرم به سمت جنوب طی می شود، سر یک دو راهی، وقتی داخل خیابان امیر عبدالمجید (شارع حزام پیشین) می شوی، پس از طی یک و نیم کیلومتر راه، در سمت راست این خیابان، یک خیابان است که مسجد در داخل آن است. از سر خیابان تا مسجد، حدود سیصد متر است. در انتهای فرعی پیشگفته، مسجد فضیخ - در اصل مسجد بنوقریظه - بوده که اکنون خراب شده است. تجدید بنای مسجد متعلق به دوره عثمانی بود که تعمیراتی در آن صورت گرفته و کاملاً قابل استفاده بود.

در باره مسجد فضیخ دو پرسش مطرح است: نخست آن که در مدینه منوره و درست در همین منطقه، طایفه یهودی بنوقریظه زندگی می کرده اند که رسول خدا ﷺ در زمان محاصره آنان، در محلی نماز می خواند که بعد از آن

\* این مقاله با استفاده کامل از مطالبی که محمد الیاس عبدالغنی در کتاب «المساجد الأثریه» آورده، نوشته شده و افزون بر ارائه استدلال های وی، مطالبی مطابق روایات تاریخی که در منابع شیعه آمده، بر آن افزوده شده است.



حضرت، در آن محل مسجدی به نام مسجد بنوقریظه ساخته شد. این مسجد تا قرون اخیر سرپا بود و زائران برای خواندن نماز تحیت بدانجا می‌رفتند. اکنون محل این مسجد مشخص نیست. شنقیطی محل آن را در بنای امر به معروف و نهی از منکر واقع در حره شرقی دانسته است.<sup>۱</sup>

بر این اساس، نخستین پرسش این است که: چه نسبتی میان مسجد فضیخ و مسجد بنوقریظه وجود دارد؟ به طور اجمال باید گفت، بر خلاف آنچه که امروزه شهرت دارد و تا پیش از تخریب تابلویی با عنوان «مسجد فضیخ» بر این مسجد نصب شده بود، نظریه دیگری بر آن است که این مسجد در اصل مسجد بنوقریظه است که در گذر زمان به خطا مسجد فضیخ دانسته شده است.

اما پرسش دوم آن است که:

میان «مسجد فضیخ» و «مسجد شمس» یا «رد شمس» چه نسبتی است؟ آیا مسجد فضیخ همان مسجد رد شمس است یا این که اینها دو مسجد هستند؟ در اینجا نیز به اجمال باید گفت: در حقیقت، مسجد فضیخ همان مسجد رد شمس یا مسجد شمس است.

### مسجد فضیخ فعلی، همان مسجد بنوقریظه است

محمد الیاس عبد الغنی در باره ارتباط میان مسجد فضیخ و مسجد بنوقریظه، تحقیقی انجام داده است که استدلال‌های وی را نقل کرده و مرور می‌کنیم. وی بر این باور است که مسجدی که امروزه فضیخ نامیده می‌شود، در اصل همان مسجد بنوقریظه است.

عبد الغنی می‌گوید: سید عالی محمد الشنقیطی می‌گوید: مسجد بنوقریظه از میان رفته و محل فعلی در بنای حسیبه در حره شرقی قرار گرفته است. این نظریه

نادرست است؛ چرا که مورخان اتفاق نظر دارند که مسجد بنوقریظه در میان مسجد بنونضیر<sup>۲</sup> و مشربه ام‌ابراهیم بوده و مشربه در شمال مسجد بنوقریظه قرار داشته است. بنابراین، با مشخص بودن موقعیت مشربه ام‌ابراهیم روشن است که مسجد بنوقریظه در جنوب آن قرار داشته است؛ این در حالی است که بنای حسیبه در جنوب مشربه نیست تا محل فعلی مسجد بنوقریظه باشد.<sup>۳</sup>

به هر روی، در این اواخر میان مورخان معاصر شهر مدینه، خطایی رواج یافته و آن این که نام مسجد فضیخ را بر

مسجد بنو قریظه اطلاق می‌کنند.<sup>۴</sup> تابلویی هم با عنوان «مسجد الفضیخ» بر این مسجد قرار گرفته که روشن نیست پیش از اظهار نظر مورخان معاصر نصب شده و آنان را به خطا انداخته یا آن که تابلوی مذکور ناشی از اظهار نظر این قبیل مورخان بوده است.

عبدالغنی ضمن اشاره به خطایی که درباره مسجد بنو قریظه پیش آمده و تابلوی مسجد فضیخ بر آن نصب شده - طبعاً پیش از تخریب - به بیان عباراتی از آثار کهن که به تعیین محل مسجد فضیخ و مسجد بنو قریظه مربوط می‌شود، پرداخته است:

\* نخستین نکته آن است که نویسندگان قدیمی، همگی بر این اعتقادند که مسجد فضیخ در شرق مسجد قبا بوده و مسجد بنو قریظه در شرق مسجد فضیخ با فاصله طولانی قرار دارد. بنابر این، مسجد شماره (۱) در شرق مسجد قبا همان مسجد فضیخ واقعی و مسجد شماره (۲)<sup>۵</sup> در شرق مسجد فضیخ با فاصله زیاد، مسجد بنو قریظه است.

\* دومین نکته آن است که مسجد فضیخ، روی زمینی مرتفع قرار داشته و هر زائری به راحتی می‌تواند دریابد که

این وصف بر مسجد شماره (۱) منطبق است نه مسجد شماره (۲).

\* سومین نکته آن است که مورخان کهن، مسجد فضیخ را مسجد کوچکی دانسته‌اند.

مطری (م ۷۴۱) می‌نویسد: «و هو مسجد صغیر». مراغی (م ۸۱۶) هم می‌نویسد: «و هو صغیر جداً». سمهودی (م ۹۱۱) نیز می‌نویسد: «مسجد فضیخ مربع و مقدار آن از مشرق به مغرب یازده ذراع و از سمت قبله به شام، همین مقدار است». عباسی (در قرن یازدهم) می‌نویسد: «مسجد صغیر». عیاشی (در سفرنامه سال ۱۰۷۳) می‌نویسد: «مسجد کوچکی است». همین طور فیروزآبادی (م ۸۱۷) خوارزمی (م ۸۲۷) ابوالبقاء مکی (م ۸۵۴) و عبدالحق دهلوی.<sup>۶</sup>

این در حالی است که همین مورخان، مسجد بنو قریظه را مسجدی بزرگ وصف کرده‌اند؛ مسجدی مربع شکل که طول آن ۴۵ ذراع و عرض آن هم به همین مقدار است. این مطلب را ابن النجار (م ۶۴۳) مطری (م ۷۴۱) فیروزآبادی (م ۸۱۷) سمهودی (م ۹۱۱) احمد العباسی (قرن یازدهم) و ابراهیم عباس الصدیقی (م ۱۳۰۰ ق) یادآور شده‌اند.





آنچه در باره مساحت فضیخ گفته شده، منطبق است بر مسجد شماره (۱)؛ همان مسجدی که نزدیک قباست و آنچه در وصف مسجد بنوقریظه گفته شده، منطبق است بر مسجد شماره (۲) همان که امروزه به خطا به نام مسجد فضیخ شناخته می شود.

عبدالغنی می افزاید: من در ۱۴ ربیع الأول سال ۱۴۱۸ ق. مسجد بنوقریظه؛ همین مسجدی که اکنون تخریب شده - را مساحت کردم و دیدم دقیقاً همان مقداری است که مطری آن را معرفی کرده است؛ یعنی ۴۵ ذراع در ۴۵ ذراع، که حدود ۲۲ متر در ۲۲ متر می شود.

\* چهارمین نظریه را مطری، سمهودی، عباسی، ابوسالم عیاشی، فیروزآبادی و صدیقی مطرح کرده اند، و آن اینکه مسجد بنوقریظه در کنار در ورودی باغی است که به باغ حاجزه معروف بوده است. در این باره، میان مورخان مدینه اختلافی نیست. این وصف، تنها منطبق بر مسجد شماره (۲)؛ یعنی مسجدی است که به خطا مسجد فضیخ خوانده می شود. حاجزه تا به امروز در میان ساکنان اطراف این مسجد شناخته شده است. بنابر این، ثابت شد که

مسجد مزبور، نه مسجد فضیخ بلکه مسجد بنوقریظه است. ابراهیم عیاشی از نویسندگان متأخر، پس از آن که تصویر این مسجد را آورده، می نویسد: این مسجد بنوقریظه در جنوب شرقی مدینه در کنار باب باغ حاجزه است. ابن باغ در سمت غربی و جنوبی مسجد قرار دارد.<sup>۷</sup>

علی حافظ از دیگر تاریخ نویسان مدنی دوره اخیر، از باغ حاجزه سخن گفته است. وی گرچه در تعیین محل مسجد دقیق نبوده و میان مسجد فضیخ و باغ حاجزه را جمع کرده است، در باره مسجد فضیخ می نویسد: در همسایگی این مسجد، باغی که تا به امروزه به حاجزه معروف است، قرار دارد.<sup>۸</sup> در واقع وی اگر وصف نویسندگان کهن را که مسجد بنوقریظه را کنار باغ حاجزه دانسته اند در نظر داشت، می بایست تصریح می کرد که این مسجد نه مسجد فضیخ بلکه مسجد بنوقریظه است.

\* پنجمین نکته در باره مسجد فضیخ آن است که مورخان نوشته اند: در حاشیه وادی روی زمینی مرتفع قرار دارد. مراغی می نویسد: «علی شفیق الوادی علی نشز من الارض».<sup>۹</sup> سخاوی می نویسد: مسجد فضیخ، کوچک در

شرق قبا و در حاشیه وادی است. این مطلب را سمهودی، احمد العباسی، ابوسالم عیاشی و ابراهیم عیاشی (م ۱۴۰۰ق) و محمد الطیب الأنصاری (م ۱۳۶۳ق.) نیز نوشته‌اند.<sup>۱۰</sup> این وصف بر مسجد شماره (۱) منطبق است نه مسجد شماره (۲). مقصود از وادی، وادی مُدَیْنَب است که فاصله زیادی با مسجد شماره (۲) یعنی بنوقریظه - یا آنچه به خطا مسجد فضیخ خوانده شده - دارد.

\* ششمین نکته آن است که مورخان اتفاق نظریه دارند بر این که مسجد فضیخ در شرق مسجد قبا و در نزدیکی آن است. روشن است که این وصف بر مسجد شماره (۱) منطبق است که نزدیک به یک کیلومتر فاصله دارد نه مسجد شماره (۲) که چیزی بیش از دو کیلومتر با آن فاصله دارد. محمد کبریت الحسینی (م ۱۰۷۰) نوشته است: فاصله میان مسجد قبا و مسجد شمس که در حال حاضر به مسجد فضیخ معروف است، نصف میل (حدود ۷۰۰) است و در جهت شرقی قبا است.<sup>۱۱</sup> محمد أمحزون از نویسندگان معاصر نوشته است: فاصله مسجد فضیخ با مسجد قبا ۷۰۰ متر است.<sup>۱۲</sup> تمامی این وصف‌ها بر مسجد

شماره (۱) منطبق است؛ در حالی که مسجد شماره (۲) فاصله زیادی از مسجد قبا دارد و نمی‌تواند با آن جملات قابل تطبیق باشد. بنابر این، نباید مسجد بنوقریظه را مسجد فضیخ خواند.

با توجه به آنچه گذشت، باید گفت، مسجدی که در حال حاضر به نام فضیخ شناخته می‌شود و در مردادماه سال ۱۳۸۰ تخریب شده، در اصل مسجد بنوقریظه است.

اکنون به معرفی مسجد بنوقریظه می‌پردازیم

این مسجد در اصل محلی است که رسول خدا ﷺ هنگام محاصره بنوقریظه - پس از پایان محاصره مدینه در غزوه خندق - در آنجا نماز خواندند. ابن شَبَه از مسجد بنوقریظه به عنوان یکی از مساجدی که رسول خدا ﷺ در آن نماز خوانده یاد کرده است.<sup>۱۳</sup>

ابن نجار می‌نویسد: این مسجد در منطقه عوالی باقی مانده و مسجد بزرگی است که بنای آن شبیه مسجد قباست و در اطراف آن باغات و مزارع و مشربه امّ ابراهیم است.<sup>۱۴</sup>

مطری هم نوشته است: مسجد





بنوقریظه در شرق مسجد الشمس با فاصله‌ای دور، در ناحیه حره شرقی در نزدیکی باغی است که اکنون به باغ حاجزه معروف است. این باغ وقف فقرا بوده و در میان خانه‌های خرابی قرار گرفته که برخی از آنها خانه‌های بنی قریظه در شمال باب باغ حاجزه است. شماری از مردم عوالی هم در آن اطراف زندگی می‌کنند. بنای مسجد، بنایی عالی - ملیح - به سبک مسجد قباست. طول آن ۴۵ ذراع و عرض آن نیز همین مقدار است. بانی آن عمر بن عبدالعزیز والی وقت مدینه است که همزمان با بنای مسجد قبا آن را به دستور خلیفه وقت ولید بن عبدالملک ساخت.<sup>۱۵</sup> در قرن نهم، مراغی، فیروزآبادی، خوارزمی و ابوالبقای مکی، با یاد از مسجد و موقعیت آن، مطلب تازه‌ای نگفته‌اند.<sup>۱۶</sup> سمهودی با اشاره به آگاهی‌هایی که مطری داده، می‌افزاید: شاهین جمالی، شیخ حرم، در سال ۸۹۳ دیوار آن را تجدید بنا کرد.<sup>۱۷</sup> مورخان قرن یازدهم تا چهاردهم به این مسجد پرداخته‌اند، اما آگاهی تازه‌ای جز همین که در شرق مسجد فضیخ با فاصله دور بوده و در حره شرقی قرار دارد، به دست نداده‌اند.<sup>۱۸</sup>

گذشت که محمد الشنقیطی نوشته است: مسجد بنوقریظه از میان رفته و محل آن در مکان فعلی سازمان حشبه (هیئت امر به معروف) در حره شرقی است.<sup>۱۹</sup> طبعاً اظهار این مطلب از سوی شنقیطی همراه با نوعی مسامحه همراه بوده و نادرست است؛<sup>۲۰</sup> زیرا مورخان بر این نکته اتفاق نظر دارند که مسجد بنوقریظه میان مسجد بنونضیر و مسجد مشربه ام‌ابراهیم قرار دارد؛ و مشربه هم در سمت شمالی مسجد بنوقریظه است. از آنجایی که محل مشربه روشن است،<sup>۲۱</sup> پس مسجد بنوقریظه باید در سمت جنوبی آن باشد. در این صورت نبایست در محل هیئت امر به معروف باشد که در سمت جنوبی مشربه نیست.

بر اساس آنچه گذشت، نباید تردید کرد مسجدی که به مسجد فضیخ شهرت دارد، در واقع مسجد بنوقریظه است که در حال حاضر تخریب شده و بر مؤلف روشن نیست که قصد بازسازی آن را دارند یا نابودی کامل آن را! همانند بلایی که سر مسجد شمس در قربان آمد یا آنچه که در سال ۱۴۰۷ ق. بر سر مشربه ام‌ابراهیم آوردند.

روایات متعددی حکایت از آن دارد

که رسول خدا ﷺ در مسجد بنوقریظه نماز گزارده‌اند. حتی بعدها که یهودیان از میان رفتند، یکبار حضرت در خانه زنی از خضر «امراًة من خضر» نماز خواندند که این منزل، بعدها داخل مسجد بنوقریظه شد. در این نقل تأکید شده است که محل نماز خواندن رسول خدا ﷺ در شرق مسجد بنی قریظه بوده، جایی که مناره بوده و در حال حاضر (یعنی قرن سوم هجری) آن مناره منهدم شده است.<sup>۲۲</sup>

### مسجد فضیخ کدام است؟

مسجدی در فاصله یک کیلومتری شرق مسجد قبا واقع است و محل آن، برای کسی که از سمت قبا می‌آید، در تقاطع شارع قربان با شارع العوالی است. مسجد با این تقاطع، حدود سیصد متر فاصله دارد و در خیابانی است که در کنار وادی کشیده شده است. در حال حاضر این محل به صورت «الحَوْش المسوّر» یک چهار دیواری بدون در ورودی قرار گرفته است.

در منابع موجود از این مسجد، با عناوین، «مسجد فضیخ»، «مسجد بنونضیر»، و «مسجد شمس» یا «رد شمس» یاد می‌شود.

در منابع موجود اهل سنت، دو حکایت برای مسجد فضیخ گفته‌اند:

نخست، ارتباط آن با فضیخ است، که نوعی شراب است که از خرما می‌گیرند و سُکرآور و مست‌کننده است. حکایت فضیخ را از ابو ایوب انصاری و انس بن مالک روایت کرده‌اند. در این روایت آمده است که ابو ایوب انصاری و شماری از صحابه در اینجا ظرف‌های پر از شراب خرما را پس از شنیدن خبر تحریم خمر وارونه کردند و شکستند. به همین دلیل مسجدی که در اینجا بنا شد، به مناسبت این موضع اطاعت‌گرایانه اصحاب، مسجد فضیخ نامیده شد.<sup>۲۳</sup> حکایت انس نیز بر اساس نقل احمد بن حنبل آن است که می‌گفت: من در آنجا به مردم، فضیخ (شرابِ خرما) می‌دادم. مردی آمد و گفت: خمر حرام شد. حاضران گفتند: بس کن انس. من هم بس کردم.<sup>۲۴</sup> حکایت دیگر مسجد فضیخ به نقل از جابر بن عبدالله انصاری است. وی می‌گوید: در جریان محاصره بنونضیر، رسول خدا ﷺ قبه خود را در نزدیکی مسجد فضیخ برپا کرد و برای شش شب در موضع فضیخ نماز می‌خواند. وقتی خمر حرام شد، خبر به ابوایوب انصاری





و برخی از انصار همراه او رسید که در حال خوردن فزیخ بودند. آنان ظروف فزیخ را وارونه کرده محتویاتش را ریختند. به همین دلیل آنجا مسجد فزیخ نامیده شد.<sup>۲۵</sup> به نظر می‌رسد جای تحقیق در این نقل‌ها همچنان باقی است. به ویژه زمان تحریم خمر که اختلافات چندی در آن وجود دارد.

در کنار نام مسجد بنونضیر و مسجد فزیخ، نام دیگری نیز برای این مسجد گفته‌اند، و آن «مسجد شمس» است. مطری می‌نویسد: در حال حاضر مسجد فزیخ را مسجد شمس می‌نامند که روی زمینی مرتفع واقع شده که سنگ‌های سیاه در آن پهن است و مسجد کوچکی می‌باشد.<sup>۲۶</sup>

### مسجد فزیخ در منابع شیعه

اما در منابع شیعه، مطالب دیگری در باره مسجد فزیخ آمده است. نخستین آنها روایتی است که لیث مرادی از امام صادق علیه السلام در باره علت نامیده شدن آن به مسجد فزیخ یاد می‌کند. حضرت می‌فرماید: فزیخ نام نوعی نخل است؛ به همین دلیل آن مکان را مسجد فزیخ نامیده‌اند.<sup>۲۷</sup> همان‌گونه که علامه مجلسی

نوشته،<sup>۲۸</sup> در کتاب‌های لغت فزیخ به معنای نخل نیامده و بر اساس این روایت، می‌توان گفت که فزیخ نامی برای نوعی نخل بوده که در مدینه وجود داشته و صرفاً کاربرد محلی داشته است.

اما این که فزیخ با شراب چه ارتباطی دارد، روایت مفصلی در تفسیر قمی از امام باقر علیه السلام روایت شده است. طبق این روایت، ابوبکر پیش از تحریم خمر، خمر فراوان خورده و مست شده بود تا آن که آیات تحریم خمر نازل شد. آن زمان، تنها نوع خمر - در اینجا، خمر به معنای سکرآور بر اساس روایت «أما الخمر فكلُّ مُسکرٍ مِنَ الشَّرَابِ إِذَا أُخْمِرَ فهو خمرٌ» همین خمر از خرما (اعم از خرمای نارس و تمر) بوده است. وقتی آیات تحریم نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشستند و به مردم دستور دادند ظروف محتوی خمر را آورده، بر زمین بریزند. آنگاه فرمودند: «هَذِهِ كُلُّهَا خَمْرٌ حَرَّمَهَا اللهُ».

در ادامه روایت آمده است که آن زمان، بیشترین خمری که وجود داشت، همین فزیخ بود.<sup>۲۹</sup>

در روایت دیگری آمده است که حضرت می‌پرسند: آیا به مسجد قبا،





خرابه‌های مسجد بنی قریظه



مسجد فضیخ و مشربه امّ ابراهیم رفته‌اید؟ زائر می‌گوید: «نعم، اما انه لم یبق من آثار رسول الله من شیء الا و قد غیّر غیر هذا». <sup>۳۰</sup> در روایات دیگری هم توصیه به خواندن نماز در مسجد فضیخ شده است. <sup>۳۱</sup> اما مهم‌تر از همه این‌ها، روایتی است که در باره رد شمس نقل شده و راوی آن، اسماء بنت عمیس، همسر جعفر بن ابی طالب علیه السلام است که بعدها همسر امام علی علیه السلام شد. راوی این روایت موسی بن عمار است که می‌گوید: همراه امام صادق علیه السلام وارد مسجد فضیخ شدیم. آن حضرت نقطه‌ای را نشان داد و فرمود: زمانی اسماء با فرزندش از جعفر اینجا نشسته بود. یکباره به گریه افتاد. فرزندش علت گریه را جویا شد. ایشان گفت: به یاد حدیثی از امام علی علیه السلام افتادم که برایم درباره این نقطه نقل کرد. آنگاه روایت رد شمس و بازگشت خورشید برای خواندن نماز عصر امام علی علیه السلام را نقل می‌کند. <sup>۳۲</sup> طبعاً این حکایت باید مربوط به غزوه بنی نضیر باشد. به نقل بیاضی ابن فورک هم همین نقل را از اسماء بنت عمیس در کتاب «الفصول» خود آورده است. <sup>۳۳</sup> اکنون جای این پرسش هست که چرا مسجد فضیخ در قرن هفتم به مسجد

شمس شهرت داشت؟ مطری، که گویا نخستین کسی است که نام مسجد شمس را به کار برده، هیچ دلیلی برای این مطلب نیاورده و تنها می‌نویسد: «و مسجد الفیض و يعرف الآن بمسجد الشمس و هو شرقي مسجد قبا علی سفیر الوادی علی نشز من الأرض، مرضوم بحجارة سود و هو صغیر جداً». <sup>۳۴</sup> با این حال نویسنده معاصر در باره نامیده شدن این مسجد به شمس می‌گوید: این بدان دلیل بوده که خورشید در آغاز طلوعش بر اینجا می‌تابیده است! <sup>۳۵</sup> به نظر می‌رسد این دلیل بی‌توجیه باشد. به احتمال زیاد، شیعیان قرن ششم و هفتم با توجه به روایت رد شمس، نام مسجد را در قرون یاد شده که دوران تسلط آنان بر مدینه بوده، مسجد شمس یا رد شمس گذاشته‌اند. طبعاً در اینجا نام شمس، توجیه حدیثی و تاریخی دارد در حالی که بحث خورشید، پشتوانه تاریخی ندارد. شهرت این مسجد به شمس از قرن هفتم آغاز شده و ادامه یافته است. فیروزآبادی (م ۸۱۷) که به نظر می‌رسد از مطری تأثیر پذیرفته، می‌نویسد: از جمله مساجدی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن نماز خوانده، مسجد الفیض است. این مسجد امروزه



به نام مسجد شمس شهرت دارد و در شرق قبا در کنار وادی بر زمینی مرتفع است که سنگ‌های سیاه در آن پهن است.<sup>۳۶</sup> مطلبی که در برخی از اذهان وجود داشته و الخیاری هم یادآور شده، این است که مسجد فضیخ مسجدی به جز مسجد شمس است. این مطلب همان‌گونه که عبدالغنی گفت، ناشی از خلطی بوده که در میان متأخرین میان مسجد فضیخ و مسجد بنوقریظه وجود داشته است؛ یعنی وقتی مسجد بنوقریظه،

به خطا فضیخ نامیده شد، طبعاً کسانی که در محله قربان و در نزدیکی قبا به دنبال مسجد شمس بوده‌اند، و واقعا هم محلی به این نام در آنجا بوده، فضیخ را مسجدی به جز رد شمس دانسته‌اند. در حالی که فضیخ و رد شمس مسجدی است در قبا که در حال حاضر صورت قبرستان داشته و اطراف آن چهاردیواری بدون در ورودی است. و مسجدی که به خطا مسجد فضیخ نامیده می‌شود، در واقع همان مسجد بنوقریظه است.

### ○ پی‌نوشتها:

۱. الدر الثمین، ص ۱۴۸. به نظر می‌رسد که شقیطی مسجد بنوظفر را که به لحاظ تاریخی دقیقاً در جای مرکز حسبه بوده، با مسجد بنوقریظه خلط کرده است.
۲. نام دیگر مسجد شمس.
۳. المساجد الاثریه، ص ۱۷۸
۴. آثار المدینة المنورة، ص ۱۴۱؛ تاریخ معالم المدینة المنورة قدیما و حدیثا، ص ۱۲۳
۵. به کار بردن شماره یک و دو برای ارجاع راحت‌تر مطالب در باره دو مسجد یاد شده است.
۶. به ترتیب بنگرید: التعریف، ص ۴۵؛ تحقیق النصره، ص ۱۳۷؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲؛ عمدة الاخبار، ص ۱۷۱؛ المدینة المنورة فی رحلة العیاشی، ص ۱۱۱؛ المغامم المطابة، برگ ۲۱۵؛ اشارة الترغیب، برگ ۱۳۹؛ البحر العمیق، برگ ۱۵۸؛ جذب القلوب، ص ۱۴۲
۷. المدینة بین الماضی و الحاضر، ص ۳۹
۸. فصول من تاریخ المدینة المنورة، ص ۱۴۴
۹. تحقیق النصره، ص ۱۸۲
۱۰. به ترتیب بنگرید: التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۷۰؛ خلاصة الوفاء، ص ۳۸۰؛ عمدة الاخبار، ص ۱۷۱؛ المدینة المنورة فی رحلة العیاشی، ص ۱۱۱؛ المدینة بین الماضی و الحاضر، ص ۳۰؛ عمدة الاخبار (پاورقی)، ص ۱۷۰
۱۱. الجواهر الثمينة فی محاسن المدینة، ص ۲۲۲



۱۲. المدينة المنورة في رحلة العياشي، (پاورقی) ص ۱۱۱
۱۳. تاریخ المدينة المنورة، ج ۱، ص ۷۰
۱۴. اخبار مدينة الرسول (ص)، ص ۱۱۶
۱۵. التعريف بما آنتس الهجرة، ص ۴۵
۱۶. بنگرید: تحقیق النصره، ص ۱۳۷؛ المغانم المطابه، برگ ۲۱۶؛ اثاره الترغیب، برگ ۱۳۹؛ البحر العمیق، برگ ۱۵۸
۱۷. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲۵
۱۸. بنگرید: عمده الاخبار، صص ۱۷۲ - ۱۷۳؛ المدينة المنورة، ص ۱۱۱؛ المناهل الصافية العذبة، ص ۶۳؛ مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۴۱۹
۱۹. الدر الثمین، ص ۱۴۸
۲۰. اشاره کردیم که وی مسجد بنوظفر را با مسجد بنوقریظه خلط کرده و جای راکه معین کرده، در واقع محل مسجد بنوظفر است.
۲۱. مشربه در همان شارع امیر عبدالمجید است. کسی که از حرم به خیابان عوالی رفته و از آنجا سر دوراهی وارد شارع عبدالمجید می شود، قریب پانصد متر راکه طی کند، دست چپ مشربه ام ابراهیم قرار دارد.
۲۲. تاریخ المدينة المنورة، ج ۱، ص ۷۰
۲۳. آثار المدينة المنورة، ص ۱۴۲
۲۴. مسند احمد، ج ۳، صص ۱۸۳، ۱۸۹
۲۵. تاریخ المدينة المنورة، ج ۱، ص ۶۹؛ التعريف بما آنتس الهجرة، ص ۴۸
۲۶. التعريف، ص ۴۸
۲۷. کافی، ج ۴، ص ۵۶۱؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۸
۲۸. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۱۴
۲۹. وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۸۱
۳۰. کافی، ج ۴، ص ۵۶۱
۳۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۹؛ ج ۲، ص ۵۷۴؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۷
۳۲. کافی، ج ۴، ص ۵۶۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۵۵
۳۳. الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۰۱
۳۴. التعريف، ص ۴۸
۳۵. آثار المدينة المنورة، ص ۱۴۲
۳۶. المغانم المطابه، برگ ۲۱۵
۳۷. تاریخ معالم المدينة المنورة، ص ۱۲۵